

## درد دل مدیران

## صنایع در باتلاق افزایش نرخ ارز

در تحلیل آقای سزاوار، خبره صنایع نساجی، راهی که برای نوسازی صنایع همواره شده بود تبدیل به بیراهه‌ای برای از پا درآوردن واحدهای فعال شده است.



صنایع گردیده و ذهن بسیاری از مدیران صنعتی کشور را به خود مشغول نموده، به طوری که این مسأله، اهداف توسعه‌ای بخش صنعت را به بی‌سرانجامی کشانده است.

لذا راهی که برای بازسازی و نوسازی صنایع هموار شده بود، تبدیل به بیراهه‌ای برای تخریب و از پا در آوردن همین چند واحد فعالی شده است که با وجود مشکلات فراوان، هنوز خود را سرپا نگه داشته‌اند. با یک حساب سرانگشتی می‌توان پی برد که هم‌اکنون واحدهای بدهکار باید بدهی‌های خود را با "بهره" بیش از ۹۰ درصد باز پرداخت نمایند (با در نظر گرفتن نرخ ۷۸۰ تومانی یورو در زمان گشایش و نرخ ۱,۳۹۰ تومانی فعلی). کدام صنعت در کشور ما ۹۰ درصد بازدهی دارد که حداقل بتواند بدهی‌های خود را به سیستم بانکی بپردازد؟ با توجه به این که فقط برای خرید ماشین‌آلات - که سرمایه ثابت به شمار می‌روند - اختصاص یافته بود و نه برای مواد اولیه.

در حال حاضر، استفاده‌کنندگان از تسهیلات حساب ذخیره ارزی به گرفتارترین مدیران صنعتی کشور تبدیل شده‌اند. در واقع، تمامی شاخه‌های صنعت نمونه‌هایی از این واحدها را دارند که همگی در آستانه تعطیلی می‌باشند.

این در حالی است که مشکل فعلی حتی با کوچکترین اراده دولت قابل رفع است. اما اگر به آن توجهی نشود، بزرگترین گرفتاری‌ها برای دولت و اقتصاد کشور ایجاد خواهد شد. طبیعتاً با تبدیل شدن این واحدها به صنایع بدهکار و تعطیل، دولت باید دوباره به فکر چاره باشد و مانند گذشته،

پس از تشکیل حساب ذخیره ارزی، مقرر شد بخشی از منابع آن به توسعه طرح‌های بخش خصوصی اختصاص پیدا کند تا به دنبال آن، اشتغال‌زایی صورت بگیرد و به شکوفایی تولید و ایجاد جو رقابتی سازنده در کشور کمک نماید.

در این بین، سهم صنایع نساجی کشور مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار تعیین گردید و در سال ۸۲ به نوسازی و بازسازی واحدهای نساجی مشمول به منظور خرید ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن، با بهره بانکی سه درصد و زمان بازپرداخت هشت سال اختصاص یافت. تا این جا، همه چیز در حد ایده‌آل و مطلوب بود و در ابتدا با استقبال خوبی همراه شد. اما مشکل از زمانی شروع شد که هیچ یک از متولیان امر اعم از وزارت صنایع، بانک مرکزی و یا بانک‌های عامل، حاضر به قطعی نمودن بازپرداخت تسهیلات اعطایی که تماماً به ارزش پرداخت می‌شد، نبودند.

البته رییس کل وقت بانک مرکزی (مرحوم دکتر نوربخش) قول شفاهی برای بازپرداخت به نرخ زمان گشایش با نوسان ده درصد را به صاحبان صنایع داده بود، ولی متأسفانه مهلت نیافت تا مطلب را به صورت بخشنامه اعلام نماید و این مسأله باعث گردید که استقبال خوبی از این تسهیلات صورت نگیرد و بسیاری از مدیران صنایع از خیر آن گذشتند و فقط در حدود ۵۰ درصد از کل تسهیلات اختصاص یافته جذب گردید. هم‌اکنون که مدتی است زمان بازپرداخت‌ها شروع گردیده، مسأله افزایش نرخ ارز و به خصوص یورو تبدیل به معضل بزرگ

بانک‌ها، برای ثابت بیشتر در منابع، سپرده‌های بلندمدت درصد بالایی از منابع آنها را تشکیل می‌داد. ولی اخیراً به دلیل سیاست‌های دولت در هم جهت نمودن آنها با بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی نیز به تبعیت از مسایل پیش روی بانک‌های دولتی، به سمت سپرده‌های کوتاه‌مدت گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند.

۳) رقابت در سایر بخش‌های سرمایه‌گذاری افزایش سود سرمایه‌گذاری در بازارهای مسکن، ارز و طلا باعث گردیده است که مشتریان، رغبتی به سپرده‌های بلندمدت نداشته باشند. این در حالی است که مسکن، ارز یا طلا علاوه بر سوددهی بالاتر، از قدرت نقدشوندگی مطلوبی در قیاس با سپرده‌های بلندمدت برخوردارند. لذا بانک‌ها جهت جذب سپرده‌های مشتریان، به مکانیزمی تغییر رویه داده‌اند که محصول آن در عین نقدشوندگی سریع، سودی یکسان یا با تفاوت کمتر نسبت به بازارهای مذکور ارایه نماید. سپرده کوتاه‌مدت، معامله‌ای بدون ریسک است که در صورت داشتن سود متعارف برای سپرده‌گذار، از قابلیت رقابت خوبی با بازارهای مذکور که همراه با ریسک بالایی به دلیل عوامل سیاسی داخلی و خارجی هستند، برخوردار خواهد بود.

۴) افزایش نرخ تورم در دو سال اخیر به طور قطع، نرخ تورم، در تصمیم‌گیری سپرده‌گذاران تأثیرگذار است. با توجه به نرخ تورم ۱۹ درصدی که توسط بانک مرکزی اعلام شده - که البته برخی مراجع داخلی و خارجی، رقم واقعی را بیش از این می‌دانند - نیاز است سود سپرده‌های بلندمدت نیز که تأثیر بیشتری از نرخ تورم می‌پذیرند، متناسب با آن باشد. ولی به دلایلی که پیشتر اشاره شد، این کار منطقی نخواهد بود. لذا رویکرد بانک‌ها به سپرده‌های کوتاه‌مدت که تأثیر کمتری از نرخ تورم سالانه می‌پذیرد، تغییر جهت پیدا کرده است.

۵) مکانیزم‌های جدید جذب سپرده کوتاه‌مدت در نهایت می‌توان مکانیزم‌های جدید مانند حساب پشتیبان که بر مبنای ارتباط بین حساب جاری و حساب کوتاه‌مدت فرد افتتاح می‌شود و سپرده‌های سه ماهه، شش ماهه و نه ماهه را به عنوان دلیلی دیگر بر استقبال مشتریان از سپرده‌های کوتاه‌مدت به شمار آورد. ■

## نسبت سپرده‌های بلندمدت به کوتاه‌مدت

نوع سپرده	میلیارد ریال			
	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲
بلندمدت	۲۵۳,۴۳۴	۲۶۶,۴۰۲	۱۸۹,۲۸۱	۱۳۱,۹۲۹
کوتاه‌مدت	۲۲۴,۲۱۱	۳۵۳,۶۶۷	۱۵۹,۸۶۸	۱۱۹,۸۰۹
نسبت	۰/۹۴	۰/۹۹	۱/۱۹	۱/۱۰

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از آمارهای بانک مرکزی.



دومین کنگره ملی مهندسی نفت ایران

## فن آوری بومی

**گفت‌وگوی ماهنامه «اقتصاد ایران» با دکتر جمشید مقدسی، ریاست دانشکده نفت اهواز و رییس دومین کنگره ملی مهندسی نفت ایران**

خاص و عام می‌باشند. در حال حاضر، اکثر دیارتمان‌های مهندسی نفت از فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت شکل گرفته و از کیفیت بسیار عالی و مناسبی برخوردار می‌باشند. گفتنی است، دانشگاه صنعت نفت در آینده، قطعاً در زمینه بالادستی به عنوان بهترین واحد آموزشی خواهد بود.

اقتصاد ایران: مهندسی نفت برای تحقق اهداف اصل ۴۴ در صنعت نفت چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟  
می‌دانید که در برنامه اصل ۴۴ به فعال نمودن اکثر شرکت‌های خصوصی به ویژه شرکت‌های داخلی توجه شده است. فارغ‌التحصیلان مجموعه دانشگاه صنعت نفت در اکثر این شرکت‌ها مشغول به کار شده و خوب درخشیده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این موضوع، کمک و بازوی بسیار خوبی برای صنعت نفت به ویژه در بخش بالادستی می‌باشد.

اقتصاد ایران: اهم مطالب سخنرانان دومین کنگره ملی مهندسی نفت ایران چه بود؟

خوشبختانه بعد از ۹ ماه فعالیت‌های شبانه‌روزی همکارانمان در دبیرخانه، بیش از ۵۰۰ مقاله به دبیرخانه رسید که تقریباً در سطح کنفرانس‌های بین‌المللی بی‌نظیر است، به خصوص در یک رشته خاص و آن هم مهندسی نفت. ۱۶۵ مشاور علمی و داور علمی (۶۵ نفر دانشگاهی و ۱۰۰ نفر صنعتی) داشتیم. در ۵ سالن موازی تعداد ۶۰ مقاله به صورت سخنرانی و تعداد ۱۱۰ مقاله به صورت پوستر، در زمینه‌های مهندسی اکتشاف نفت و گاز، مهندسی حفاری، مهندسی مخازن نفت و گاز، مهندسی بهره‌برداری از چاه‌های نفت و گاز و مدیریت اقتصاد نفت ارائه شد و تقریباً، آخرین تحقیقات و مسایل آموزشی مهندسی نفت با استفاده از افراد محقق و صاحب‌نظران ارائه گردید. سه سخنرانی کلیدی در این کنگره و پانزده سخنرانی تخصصی در رابطه با آخرین مسایل آموزشی بالادستی نفت صورت گرفت و ۳۰ کارگاه تخصصی با حضور مهندسان برجسته و استادان مجرب کشور فراهم شد. همچنین، نمایشگاه ارزشمندی برگزار و جدیدترین ابتکارات و دستاوردهای علمی و مهندسی نفت در آن ارائه گردید. ■

اقتصاد ایران: اهداف برگزاری کنگره ملی مهندسی نفت ایران چیست؟

برگزاری کنگره ملی مهندسی نفت ایران، به طور کلی، بررسی چالش‌های پیش روی پایداری صنعت نفت و مشارکت در رشد و توسعه مستمر نفت و گاز از طریق توسعه دانش در این عرصه و ایجاد و توسعه شبکه ملی متخصصان و کارشناسان صنعت نفت کشور است. همچنین، معرفی آخرین دستاوردها و متون تخصصی مهندسی نفت در سطح شرکت‌های برتر جهان، تلاش در جهت بومی کردن تکنولوژی از طریق ترویج فرهنگ تحقیق با استفاده از تجربیات فنی و مدیریت استادان و متخصصان و مدیران صنعت نفت و امکان تعامل متخصصان و محققان با صاحبان صنایع را نیز می‌توان از دیگر اهداف برگزاری این کنگره به شمار آورد.

اقتصاد ایران: نقش و رسالت انجمن مهندسی نفت در این کنگره چیست؟

در انجمن مهندسی نفت هم مانند بسیاری از انجمن‌های علمی، مجموعه‌ای از استادان برجسته آن رشته و صنعت حضور پیدا می‌کنند و از بین نخبگان، تعدادی را انتخاب کرده و این انجمن را تشکیل می‌دهند. نقش انجمن مهندسی نفت از این بابت که می‌تواند افراد مشخص را در یک رشته خاص هدایت و حمایت کند، بسیار مهم است. در حال حاضر رشته نفت در دنیا یک رشته استراتژیک است و اقتصادهای دنیا به ویژه کشور ما به آن وابسته می‌باشند - امروز همه چیز به نفت وابسته است. انجمن مهندسی نفت می‌تواند با گرد آوردن متخصصین نفت، رسالت بسیار عظیمی را ایفا نماید.

اقتصاد ایران: کیفیت مهندسی نفت ایران چگونه است؟

واقع، دانشگاه صنعت نفت به عنوان یگانه مرکز تخصصی نیروی انسانی در وزارت نفت که در سال ۱۳۱۸ تأسیس شده، بعد از دانشگاه تهران قدیمی‌ترین دانشکده فنی ایران محسوب می‌شود. این دانشگاه در زمینه مهندسی نفت شروع به فعالیت کرده است و از سال ۷۶ رشته بالادستی در دانشکده صنعت نفت خیلی پررنگ‌تر شد و امروز به جرأت می‌توان گفت فارغ‌التحصیلان مجموعه دانشگاه صنعت نفت جزو برترین‌ها در دنیا هستند و زبانزد

سازمان صنایع ملی را از نو ایجاد کند که این امر، بازگشت دوباره به اقتصاد دولتی است. نکته اصلی این است که بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی تنها با هدف ظرفیت‌سازی برای صادرات، اشتغال‌زایی و نوسازی خطوط تولید، متقاضی دریافت این تسهیلات شده‌اند. از طرفی، دولت در مرحله آرایه تسهیلات، ریسک افزایش نرخ ارز در آینده را نپذیرفته بود و صنایع هم گمان افزایش ۹۰ درصدی نرخ ارز را نمی‌بردند. اما اکنون این مشکل گریبانگیر آنان شده و دوران سختی را سپری می‌کنند. در حالی که هزینه ایجاد هر شغل در شرایط فعلی ۱۱ هزار دلار برآورد می‌شود، در صورت بحرانی شدن اوضاع برای صنایع بدهکار، بازنده اصلی دولت خواهد بود، زیرا در صورت تعطیلی این واحدها، هزاران نفر به خیل گروه‌های بیکار جامعه اضافه می‌شوند. این مسأله در نهایت تبعات منفی خود را بر حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی جامعه باقی خواهد گذاشت و فساد در این عرصه‌ها را به دنبال می‌آورد. از طرفی، بخش وسیعی از سرمایه‌های کشور را کد می‌ماند و وابستگی به درآمدهای نفتی بیش از پیش افزایش خواهد یافت. ضمن این که فعالان صنعتی، بیش از پیش برای سرمایه‌گذاری‌های جدید بی‌انگیزه خواهند شد. در چنین شرایطی، دولت با کدام منطق اجازه خواهد داد که واحدهای صنعتی یکی پس از دیگری تعطیل شوند.

### ریسک ارزی

اما با توجه به این که دولت و وزارت صنایع و معادن، همواره شعار توسعه صنعتی را مطرح می‌کنند، با یک راه حل ساده می‌توان از بروز بحران‌های جدی جلوگیری کرد به طوری که با بخشودگی مابه‌التفاوت نرخ ارز و ایجاد شرایط خاص برای واحدهای صنعتی بدهکار، رونق تولید را دوباره به این بخش‌ها برگرداند. این که واحدها در ابتدا این تسهیلات را با نرخ ثابت از دولت دریافت کرده‌اند و باز پرداخت آن با نرخ زمان اخذ تسهیلات، نه تنها مشکلی برای کشور ایجاد نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد جو رقابتی در بخش صنعت و ظهور مجدد بارقه‌های امید نزد فعالان صنعتی می‌شود. پیشنهاد می‌شود مبلغ مابه‌التفاوت نرخ ارز از همان محل حساب ذخیره ارزی که بخشی از منابع آن برای توسعه صنعتی و اشتغال‌زایی بیشتر اختصاص یافته تأمین گردد. به عبارت دیگر، دولت خود ریسک ارزی را عهده‌دار شود.

البته لازم به ذکر است که تعدادی از واحدها نیز به علت حفظ اعتبار بانکی و شغلی خود، با وجود مشکلات فراوان تاکنون بخشی از بدهی‌های خود را پرداخت نموده‌اند که پیشنهاد می‌شود ضمن بازگرداندن مابه‌التفاوت به ایشان، به نحو مقتضی مورد تشویق قرار بگیرند. ■